

بررسی واژه «راره» آوای حزن انگیز لرستان

ایرج محرز

موسیقی لری آمیختگی عجیبی با حالات گوناگون مردم لرستان دارد. بدین روی آوای «راره» *rara* که با نوای حزن انگیزی نواخته می‌شود، نشانگر عزای قوم لر به سبب از دست دادن عزیزان و بزرگان این دیار است.

آنچه که جای تعمق دارد و از اهمیت زیادی برخوردار است، نام «راره» است که ریشه‌ای بس کهن دارد. در «اوستا» واژه «راه» *ra* هم به معنی: دادن و بخشیدن است، و هم به معنی: یاز داشتن، جلوگیری کردن، کوبیدن و خرد کردن.

واژه «راه» در برهان قاطع - به اهتمام دکتر محمد معین - علاوه بر اینکه به معنی: طریق و صراط و همچنین کنایه از رسم، روش، قاعده و قانون ذکر شده، به معنی: نغمه، مقام، پرده، اصول، خوانندگی و نوازندگی نیز بیان گردیده است. همچون «راه خسروانی» که نام نوایی از موسیقی اصیل ایرانی است. به قول حافظ:

راهی بزن که که آهی بر ساز آن توان زد  
شعری بخوان که با آن رطل گران توان زد  
و به قول صائب تبریزی:

کدام راه زد این مطرب سبک مضراب؟  
که هوش از سر من آستین فشان برخاست  
می‌بینیم که واژه «راه» در گذشته نیز به معنی نغمه خوانندگی و پرده و مقام نوازندگی بوده است.

ناگفته نماند که یکی از موسیقی دانان بزرگ دوره ساسانیان به نام «بارید» پرده‌ای از موسیقی دارد به نام «راه روح» که در واقع نام لحن هفتم از سی لحن او به شمار می‌رود. بنا به گفته برهان قاطع - به اهتمام محمد معین - نامهایی چون: «روح»، «راح» و «راهوی» نیز هر کدم به معنی پرده‌ای از مقام موسیقی است. چنانکه منوچهری دامغانی می‌گوید:

آبستنی دختران عمران به پسر بود      آبستنی دختر انگور به جانست  
آن «روح» خداوند همه خلق جهان بود      وین «راح» خداوند همه خلق جهانست

و

زده به بزم تو رامشگران به دولت تو      گهی چکاوک و گه «راهوی» گهی قالوس  
همچنین واژه «ره» به فتح اول و سکون ثانی، به چند معنی ذکر شده که عبارتند از: ۱. راه، طریق، صراط. ۲. رسم، قاعده، قانون. ۳. نغمه و آهنگ. ۴. نیکی و سیرت، زهد و عبادت که «رهبان» مرکب از آن است...

در این معانی واژه «ره» به معنی نغمه و آهنگ نیز ذکر شده است و نام «راهوی» که مقامی از موسیقی به شمار می‌رود از همین ریشه است. حتی نام «ره گوی» که به معنی ۶ مطرب، نغمه سرا، خواننده و خنیاگر است به خوبی ریشه خود را نشان می‌دهد.

نکیسا، یکی دیگر از موسیقی دانان بزرگ دوره ساسانی تصنیف معروفی دارد به نام «ره جامه داران» که آوای غم انگیز و نوای حزن انگیز آن دوران به شمار می‌رود. در برهان قاطع آمده است که: «ره جامه داران صوتی است که تصنیفات نکیسای چنگی، گویند این صوت را چنان نواخت که حضار مجلس جامه‌ها بر تن پاره پاره کردند و مدهوش شدند.

همین امر نشان می‌دهد که آوای حزن انگیز «راره‌ای لرستان» پیوندی دیرین با نغمه‌های «راه روح» - یکی از سی لحن بارید و «راه جامه‌داران» - از تصنیفات غم انگیز نکیسا - دارد، و همه آنها ریشه‌ای کهن تر از دوره ساسانی دارند.

رهی زن که صوفی به حالت رود      به مستی و صلش حوالت رود (حافظ)

بیشتر این نغمه‌ها شور و حالی وصف ناپذیر دارند. حتی آواز «راهوی» یا «رهاب» که سوز و گداز نغمه‌های حزن انگیز را ندارد، در خدمت داغ‌دیدگان و مصیبت کشیدگان است. به قول دکتر محمد معین - در فرهنگ فارسی - «این آواز به پیر تجربه دیده‌ای شبیه است که می‌خواهد آب خنکی بر دل داغ دیده مصیبت دیدگان بریزد و آنان را با نصایح دلپذیر امیدوار کند. بدین روی آواز راهوی در آخر افشاری نواخته می‌شود و حالتش بر عکس افشاری نصیحت آمیز است».

تا اینجا پی بردیم که نامهایی چون: راره، راح، راه، راه خسروانی، راه روح، روح، راهوی، ره، ره جامه‌داران و راهوی همه از نغمه‌های و آهنگهایی هستند که شور و حال خاص خود را دارند. اما برای ریشه یابی و معنی واقعی واژه‌های: راه، ره، و ره احتیاج به تعمق بیشتری داریم. بنابراین دنباله بحث را با آوای «راره‌ی لرستان» پی می‌گیریم، باشد که در این رابطه سر نخ قابل توجه به دست آوریم.

در لرستان آوای «راره» به وسیلهٔ یکنفر تکخوان به نام «سر خونی و ش» Sarxoniva و گروه

همخوان سراینده می‌شود. به همراه این مرثیه خوانی، آهنگ «راره» به وسیله ساز و دهل با نوای حزن انگیزی نواخته و انسان را از خود بی خود می‌کند.

«سرخونی وش» از سه واژه «سر» و «خونی» (خوانی - از خواندن می‌آید) و «وش» تشکیل شده است. ناگفته نماند که در نواحی جنوب لرستان (صیمره) و در میان برخی از تیره‌های شمال لرستان به شاعر و سراینده شعر، «شعر وش» گویند. در میان اهل حق کوهدشت و نور آباد به خواننده تکخوان - مربوط به آوای راره - «راره وش» می‌گویند.<sup>۱</sup>

واژه «وش» لرستان را نباید با واژه «وش» که در نامهای شاه وش، مهوش، و پیروش دیده می‌شود و به معنی «شبیبه» و «مانند» است اشتباه گرفت. بلکه این واژه ریشهای باستانی دارد و مشتق از واژه «وخش» اوستایی و زبان ایرانی میانه است.

در زبان ایرانی میانه واژه وخش vaxš به دو معنی: «روح» و «کلمه» است. همین واژه در زبان مانوی به معنی «روح» به کار می‌رفته است.

در اوستا واژه «وخشو» vaxšo به معنی «کلام» و از ریشه «اوخت» uxt به معنی گفتن است. همچنین واژه «وخشور» به معنی کلام آسمانی و اصطلاحاً به معنی پیامبر است. نمونه پسوند «ور» در واژه ترکیبی «وخشور» زیاد وجود دارد، همچون واژه‌های فارسی: گنجور، رنجور و مزدور.

ناگفته نماند که «وخش» در اوستا نام فرشته‌ای است که نگهبانی آب با اوست، مخصوصاً آمو (رود جیحون) همچنین نام «وخش» به معنی «اسب» نیز به کار می‌رفته مثل سیاوخش (سیاوش) که در اوستا Syavarsan ذکر شده و مرکب از syava = سیاه + arsan = چهار پای نر، مخصوصاً اسب، و کلابه معنی دارنده اسب سیاه.

در نهایت آنچه که مورد تطبیق واژه «وش» لرستان در نامهای «سرخونی وش»، «شعر وش» و «کلام وش» است واژه «وش» ایرانی میانه و مانوی و اوستایی است که معانی چون: کلمه، روح و کلام را در بر می‌گیرد.

شگفتا که واژه «راه» در آواهای «راره» و «راه روح» و نغمه‌هایی که قبلاً ذکر کردیم به نوعی ریشه از معانی چون: نیکی و سیرت، زهد و عباد و رهبان، رسم و قاعده و قانون (احتمالاً از قوانین آسمانی حکایت دارد) و راه و طریق و نغمه و آهنگ دارند. در این رابطه نباید فراموش کرد که کلام مبارک خدای متعال در کتاب آسمانیش به قدری شیوا و آهنگین و موزون است که انسان را از این همه بلاغت و سلاست و فصاحت به وجد می‌آورد. می‌بینیم که در معانی ذکر شده سخنی از روح و روان، جهان مینویی و کلمات آسمانی است. اکنون شایسته است که به این نکته نیز اشاره داشته باشیم که در گذشته هر گاه شخصی در رودخانه غرق می‌شد مردم لرستان تا سه روز به کنار رودخانه می‌رفتند و ساز و دهل می‌نواختند تا روح متوفی جسد وی را به روی آب بیاورد. گویی «روح» متوفی کلام آهنگین ساز و دهل را بهتر از هر چیز می‌فهمدا حتی در هنگام گرفتن ماه و خورشید نیز، ساز و دهل نواخته می‌شد...

نکته دیگر که لازم به ذکر است این که در برخی از نقاط ایلام و لرستان به تکخوان عزا «راوچی»

rowci یا «دنگ چی» dangci گویند که مترادف «جارچی» فارسی است و در برخی دیگر از نقاط لرستان به آن «دنگ کر» dangkar (گوش ایل حسنوند) به معنی صداکننده، خبرکننده گویند. و در گوش بختیاری الیگودرز به آن «دنگ دال» می گویند.

واژه ثری و لکی «راو» raw به معنی سر و صدا و خبر است، مثل «گال راو» gal-e-row یعنی فریاد و سروصدای زیاد، هو و جنجال راه انداختن. به بیٹی از آوای «اراه» در گوش لکی توجه فرمایید:

هه راهه را راهه خانکم راهه را راهه

heraherarowa - xankamraherarowa

در این بیت «هه» he به معنی هیئات، افسوس و آهی جانگداز است. در مورد واژه «را» ra نیز مطالبی به عنوان ریشه یابی از زبانهای کهن آوردیم. واژه «راوه» نیز به معنی خبر مرگ و سرو صدای ناشی از خبر مرگ است. اما به این نکته نیز باید اشاره شود که در لرستان بیشتر از واژه «چاو» cow به عنوان خبر مرگ است. واژه ترکیبی «خانکم» نیز به معنی خان من، بزرگ من است.

نکته دیگر اینکه در لرستان ابیات حزن انگیز دیگری وجود دارد که با آهنگ «اراه» نواخته می شود اما در آوای تکخوان و همخوان آن از واژه «راه» استفاده نمی شود. مانند ابیات:

آقام هه رو هه رو حسین هه رو هه رو

(گوش ثری)

سرتیپ سپاه کیکاو سم رو سردارسنگین ثانی طوسم رو

(گوش لکی)

در این ابیات به جای واژه «هه راه» واژه «هه رو» و «رو» به کار رفته است که معنی خاص خود را دارد و اکنون به آن می پردازیم. در اوستا واژه «رو» ru به معنی «بریدن» و از هم جدا کردن است. برخی از محققان لرستان آن را مشتق از واژه ثری و لکی «روله» rula به معنی «فرزند» می دانند و برخی دیگر آن را مخفف «رود» = فرزند، می دانند چنانکه حافظ می فرماید:

از آن دمی که ز چشمم به رفت رود عزیز کنار دیده من همچو رود جیحون است

(نظامی گنجوی)

بنابر گفته برهان قاطع به اهتمام دکتر محمد معین، واژه «رود» هم به معنی فرزند و هم به معنی رودخانه و هم به معنی «نوعی ساز» است. چنانکه «رود ساز» به معنی «مطرب و سازنده» است.

در اوستا «رود» به معنی «سوگاری کردن، نالیدن و گریستن» است. و باز در برهان قاطع واژه «رود» به معنی آواز حزین و واژه «آوه» به معنی بر آورنده صدا و نداست که روی هم واژه «رواوه» (ریاب) را تشکیل می دهند.

به هر حال به راحتی می توان پیوند معانی بین واژه های یاد شده با واژه «رو» ru لرستان یافت. معانی چون: بریدن و از هم جدا شدن، سوگاری کردن، نالیدن و گریستن، یا آواز حزین... چراکه آوای «هه رو» نیز مرثیه ای است که برای عزیز از دست رفته خوانده می شود. بد نیست که بدانیم که در زبان ترکی نیز واژه «هرای» به معنی «فریاد و کمک خواستن و اطلاع دادن شخصی چیزی را گویند. و در

زبان افغانی «هرا» به معنی صدا و غوغاست.  
ز هرین حمله زهرای تیغ شده آب خون در دل تند میخ

(نظامی گنجوی)

در پایان بررسی واژه «اراء» ذکر این نکته را شایسته و بایسته می‌دانم که در ماهنامه چیستا (ش ۸۴، دی ماه ۱۳۷۰) مقاله‌ای تحت عنوان «موسیقی لرستان» داشتم و در آن برخی از آهنگهای لری را - بنا به گفته‌های معمرین - معرفی نمودم که نام «اراء» اشتباهاً به معنی «فرزند، فرزند» و مشتق از «روله» روله، ذکر شده است. بدین گونه فرصت را غنیمت می‌شمارم و بنا به بررسی که در مورد واژه «اراء» صورت گرفت آن را تصحیح می‌نمایم.

### پی نوشت

۱. بنا بر روایت شادروان نجف علی میرزایی در نورآباد به خواننده سرودهای یارسان اهل حق (کلام و ش) گویند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مركز مطالعات و تحقيقات فرهنگي

لرستان پژوهی، سال ۱، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۷